

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

شماره ۱۸۱۴



لیگ بیست و چهارم زیر
ذره‌بین «دنیای هوادار»

تبریز در جشن

مخاطبان ایرانی در هجوم خبرهای ساختگی و فقدان سواد رسانه‌ای بی‌سپر مانده‌اند؟

پُست شد، پسی چیست!



ضرورت هم‌افزایی دولت و شهرداری‌ها؛

کلان‌شهرها

آینه توسعه‌اند

وقتی تعطیلی پنج‌شنبه‌ها بهانه‌ای

برای برملائی موازی‌کاری می‌شود؛

فرمان از پاستور، اجرا از سایه!

**یاد و خاطره شهدا،
به ویژه «شهید احد
حامدی اصل» که ۲۵
اردیبهشت ۷۱ به مقام
شامخ شهادت نائل
گشت، گرامی باد**



شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۴

قالیباف جاکارتا را به مقصد تهران ترک کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی پس از حضور سه روزه در جاکارتا به منظور شرکت در اجلاس اتحادیه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (PUIC)، این شهر را به مقصد تهران ترک کرد. محمدباقر قالیباف برای حضور در نوزدهمین اجلاس مجلس شورای اسلامی ۲۴ اردیبهشت ماه وارد جاکارتا شد و در نخستین سخنرانی خود در اجلاس، ترامپ را «متوهم» خواند و بر جایگاه رفیع مقاومت در میان ملت‌ها تأکید کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی در حاشیه اجلاس، ۶ دیدار دوجانبه با رؤسای مجالس اندونزی، عمان، عربستان، الجزایر، بوركینافاسو و مالزی انجام داد. تسهیل روابط اقتصادی، بهبود روابط پارلمانی، حمایت از آرمان فلسطین و تلاش برای جلوگیری از جنایات رژیم صهیونیستی محور اصلی این رایزنی‌ها با همتایان بود.

دنیایکسوادار

رویداد

حرف اول

وقتی تعطیلی پنج‌شنبه‌ها بدنه‌ای برای برملایی موازی کاری می‌شود؛

فرمان از پاستور، اجرا از سایه!

مهرداد تیموری

یکی از خوانندگان روزنامه روایت کرده: «روز پنج‌شنبه ۲۵ اردیبهشت، پیامک برگشت خوردن چکم آمد؛ با اینکه موجودی داشتم و طبق مصوبه دولت، پنج‌شنبه‌ها تعطیل است. اما چک برگشت خورد و من نتوانستم هیچ اقدام فوری انجام دهم؛ فردایش هم که جمعه بود...».

این روایت ساده، دقیقاً همان جایی است که شکاف ساختاری در دولت، ضعف در یکپارچگی حکمرانی و تضادهای پنهان و پیدای مدیریتی در کشور را به سطح عمومی می‌کشد. دولت، طبق یک بخشنامه رسمی و صریح، اعلام کرده بود که تا پایان شهریورماه ۱۴۰۴، پنج‌شنبه‌ها در سراسر کشور برای ادارات، بانک‌ها، و دستگاه‌های اجرایی تعطیل خواهد بود. مفهومی روشن و بی‌ابهام که از منظر افکار عمومی، مشابه تعطیلی جمعه‌ها تلقی می‌شود. اما آنچه اتفاق افتاده، چیز دیگری است: سامانه کلر بانک‌ها فعال بوده، چک‌ها پردازش و برگشت خورده‌اند، درحالی که نه صاحب چک، نه دارنده آن، امکان پیگیری فوری نداشته‌اند. پرسش اینجاست: اگر طبق مصوبه دولت، رسماً تعطیل است، پس چرا سیستم‌هایی که در روز جمعه تعطیل‌اند، در پنج‌شنبه فعال‌اند؟ مگر بانک‌ها اجازه دارند در روز تعطیل، خدمات عادی ارائه دهند؟ «کشیک» در ادبیات اجرایی، معادل وضعیت اورژانس است. نه نسخه‌نویسی عمومی. مانند روزهای شیوع کرونا که تنها مراکز درمانی برای بحران‌های حیاتی فعال بودند؛ آیا کسی برای جراحی زیبایی به اورژانس می‌رفت؟ پس بانک هم در روز کشیک، باید تنها برای ضرورت‌های غیرقابل تعویق فعال باشد، نه برای مخدوش کردن اعتبار یک مشتری از طریق برگشت چک. اینجا ما با یک تضاد مواجهیم: دولت چیزی را

مصوب و اعلام می‌کند، اما زیرساخت‌های اداری یا اجرایی (اعم از بانک مرکزی، بانک‌های عامل، سامانه‌های تسویه بین‌بانکی) روی ریل دیگری حرکت می‌کنند. حاصل این دوگانگی، سردرگمی، نارضایتی، و بی‌اعتمادی عمومی است. آن هم در شرایطی که اعتماد اجتماعی، آخرین سرمایه باقی‌مانده برای دولت‌هاست.

در بررسی انجام‌شده توسط معاونت اقتصادی استانداری، اعلام شده که سامانه کلر در روز پنج‌شنبه فعال نبوده است. درحالی که مستندات برگشت چک، با تاریخ و ساعت مشخص، وجود دارد و در اختیار تحریریه این روزنامه نیز قرار گرفته است. این یعنی یا اطلاعات نادرست به مسئولان منتقل می‌شود یا اساساً سازوکار هماهنگی بین بدنه دولت، بانک مرکزی و نهادهای اجرایی چنان دچار مشکل و محل ناهماهنگی‌های ساختاری است، که خود نگرانی‌های دیگری را نیز بوجود می‌آورد؛ در هر دو حالت، بازنده نهایی، شهروندی است که نه از قوانین خبر دارد، نه مسئولیتی در طراحی این سیستم دارد اما هزینه آن را با آسیب به اعتبار خود پرداخت می‌کند.

مسئله فقط در اجرا نشدن یک مصوبه نیست. مسئله در این است که دولت حتی اختیار اجرای مصوبه خودش را هم ندارد. این ناتوانی، نه صرفاً ناشی از ضعف مدیریتی، بلکه حاصل وجود یک ساختار موازی و ناهماهنگ است. مقصود نگارنده همان «دولت سایه» است که حالا بیش و وقیحانه‌تر از هر زمان دیگری آفتابی شده است: شبکه‌ای از مدیران میانی، نیروهای مقاومت در برابر تغییر، و نهادهای هم‌راستا با جریاناتی که نه در انتخابات پیروز شده‌اند، نه به مردم پاسخ می‌دهند، اما در سایه ساختارهای پنهان و آشکار قدرت، اختلال ایجاد می‌کنند.

آیا این اتفاق، نمونه‌ای از همان سناریوی آشنا نیست؟

سرمقاله

رئیس جمهور، سر کلاس زمین‌شناسی!

نگار سلحشور

در دنیایی که بحران آب دیگر نه هشدار آینده، بلکه واقعیت امروز است، حضور رئیس‌جمهور در باغ گیاه‌شناسی تهران و فراخوان او به متخصصان برای اصلاح الگوی کشاورزی، اتفاقی فراتر از یک نشست نمادین بود. این بار مسعود پزشکیان نه به‌عنوان یک مقام ارشد اجرایی، بلکه به‌عنوان شاگردی مشتاق برای شنیدن راه‌حل، دست یاری به‌سوی دانشگاهیان و کارشناسان دراز کرد.

پزشکیان در این نشست، با تأکید بر تجربه عملی به جای آموزش تئوریک صرف در دانشکده‌های کشاورزی، عملاً نقطه عزیمت جدیدی را در نگاه دولت به مسئله کشاورزی پایدار و بحران آب ترسیم کرد. او نه‌تنها آموزش در مزرعه را پیشنهاد کرد، بلکه مدل دانشگاه‌های نسل چهارم و پنجم را به‌مثابه الگوی تحول آموزش عالی مطرح نمود؛ الگویی که میان دانشگاه، محیط واقعی تولید و اقتصاد، پیوندی مستقیم و پویا برقرار می‌سازد. اما آنچه این نشست را مهم می‌سازد، نه فقط توصیه‌های آموزشی، بلکه پرسش‌های بنیادینی است که رئیس‌جمهور درباره الگوی کشت در ایران مطرح کرد. از جمله اینکه آیا کشت چغندر قند در کرمانشاه - استانی با منابع آبی محدود - عقلانی است؟ و فراتر از آن، آیا اساساً کشاورزی در برخی مناطق کشور، با توجه به اقلیم خشک و منابع آب محدود، هنوز توجیه دارد یا به بازاندیشی رادیکال نیاز دارد؟

این سؤالات، سال‌هاست ذهن کارشناسان مستقل را مشغول کرده، اما اینکه حالا از دهان رئیس‌قوه مجریه کشور بیرون می‌آید، نشانه‌ای است امیدوارکننده. نشانه‌ای از عبور تدریجی از سیاست‌های مبتنی بر کمیت‌گرایی در کشاورزی (افزایش سطح زیر کشت به هر قیمت) به‌سوی نگاهی کیفی‌تر، اقلیم‌محور و پایدار.

آنچه باید مورد توجه جدی قرار گیرد، این است که دعوت از دانشگاهیان و متخصصان، نباید تنها یک ژست مشورتی باقی بماند. آن‌ها باید صاحب‌نظر باشند، نه صرفاً مشاور. مشورت وقتی مؤثر است که همراه با انتقال واقعی اختیارات و پشتوانه‌های اجرایی باشد؛ همان‌طور که پزشکیان وعده داد: «اگر آمادگی پذیرش مسئولیت را دارید، اختیارات لازم به شما اعطا شده و حمایت‌های لازم نیز به عمل خواهد آمد».

اکنون زمان تصمیم‌های دشوار است؛ تصمیم برای تغییر الگوی کشت، بازتعریف نقش آب در سیاست‌گذاری کشاورزی، و بازآرایی رابطه دانشگاه، دولت و زمین. اگر این اراده ادامه یابد، شاید کشاورزی ایران پس از دهه‌ها بی‌مهری، بار دیگر از خاک برخیزد؛ نه به‌مثابه یک نظام معیشتی رو به زوال، بلکه به‌عنوان بخش پیشران امنیت غذایی، دانش‌بنیان و همساز با اقلیم.

ایران، با تنش آبی فزاینده، دیگر فرصت آزمون و خطا ندارد. سیاست‌گذاری‌های فردا باید از دل گفتگوهای امروز با اهل علم زاده شود. پزشکیان اگر راه را گشوده، حالا نوبت گوش دادن، عمل کردن و جسارت در انتخاب‌های سخت است.

قابل توجه وزیر نفت و مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس؛ حاتم‌بخشی در استقلال، به نام بازنشستگان نفت، به کام پیشکسوتان!

مجید سعیدی

احترام به بزرگ‌ترها و پیشکسوتان، بی‌تردید، واجب است. جمع کردن آن‌ها با هر بهانه‌ای، کاری است پسندیده. اما پرسش اساسی این‌جاست که نیت از این احترام و دورهمی‌ها چیست؟

مدیریت باشگاه استقلال وارد چنین مدلی شده است. من می‌دانم این ایده از کجا آمده و از سوی چه کسی پیگیری شده است.

در ذات خود، این اقدام، بد نیست. اما باید دید هیئت امن و نیز هیئت‌مدیره کانون، دقیقاً چه وظایف و مأموریت‌هایی دارند؟ این رسالت‌ها چگونه تعریف شده‌اند؟ آیا این ترکیب قرار است صرفاً با دریافت حق‌الزحمه، ضربه‌گیر انتقادات هیئت‌مدیره باشند، یا نقش تصمیم‌ساز ایفا کنند؟

اگر هم نقش تصمیم‌ساز دارند، تا چه اندازه به نظرات‌شان (مشروط بر اینکه اجماع داشته باشند) توجه می‌شود؟ و این‌ها تنها بخشی از ده‌ها سؤالی‌ست که فعلاً از کنارشان می‌گذرم و صرفاً به یک مورد مشخص اشاره می‌کنم:

درنخستین گردهمایی پیشکسوتان باشگاه استقلال، وعده داده شد که بخشی از سهام باشگاه به آن‌ها تعلق خواهد گرفت (که البته در ذات خود اقدامی است

شایسته و محترم). اما سؤال مهمی مطرح می‌شود:

۱. سهام از کدام محل و با چه اعتبار قانونی قرار است به پیشکسوتان واگذار شود؟
- این پرسشی کلیدی‌ست که پاسخ روشن آن باید از سوی هیئت‌مدیره باشگاه استقلال و البته نهادهای ذی‌ربط در صندوق بازنشستگی نفت ارائه شود.
۲. صندوق بازنشستگی نفت، به‌عنوان سهام‌دار اصلی هلدینگ خلیج فارس، از همان ابتدای خرید سهام باشگاه استقلال با انتقادهای گسترده از سوی سهام‌داران اصلی‌اش یعنی بازنشستگان نفت مواجه بوده است.
- صندوقی که هنوز نتوانسته مطالبات قانونی بازنشستگان محترم را - از جمله بن‌کارت‌ها، هزینه‌های درمانی یا اجرای کامل تناسب‌سازی حقوق - پرداخت کند، چگونه و با چه اولویتی قرار است بخشی از این سهام را «هبه» کند؟
- جالب آن که هفته گذشته یکی از اعضای هیئت امنای همین صندوق، محمدرضا عراقی، پرده از نحوه خرید این سهام برداشت و نشان داد که این فرآیند از همان ابتدا محل مناقشه و ابهام بوده است.
- حال باید پرسید: هیئت‌مدیره باشگاه استقلال، با استناد به کدام منطق، و مهم‌تر از آن، با اتکاء به کدام اختیار قانونی، قصد دارد سهم‌الارث

بازنشستگان صنعت نفت را به پیشکسوتان باشگاه استقلال واگذار کند؟

وارد بحث شرعی این ماجرا نمی‌شوم؛ چرا که خود نیاز به مجالی مفصل دارد.

اما همین قدر باید گفت: اولاً، مراقب باشید از هول حلیم در دیگ نیفتید!

و ثانیاً، اگر قرار است پیشکسوتان باشگاه تنها برای استفاده‌ی ابزاری و پوشش انتقادات به کار گرفته شوند، یا خودشان به‌دلیل دریافت مبلغی ناچیز، ناچار به سکوت شوند - باید گفت حاتم‌طایی شدن با جیب دیگران، کار دشواری نیست! اما در صندوق بازنشستگی نفت، به‌خاطر هوشیاری بازنشستگان محترم، ماجرا به این سادگی‌ها هم نیست؛ گردو باید شمرده شود.

آقای تاجرنیا، آقای نظری جویباری؛ هوشیار باشید! آن‌ها که روزی نتوانستند از سازمان خصوصی‌سازی امتیاز بگیرند، امروز برای شما مدل‌سازی می‌کنند و آدرس اشتباه می‌دهند.

شایسته است وزیر محترم نفت، مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس و نیز رئیس صندوق بازنشستگی نفت با دقت و حساسیتی دوجندان نسبت به این مدل‌سازی‌های پشت‌پرده در اطراف هیئت‌مدیره باشگاه استقلال نظارت کنند.

در سوگ ثبت‌کننده لحظه‌ها؛ بدرود آقای عکاس

با اندوهی سنگین و قلبی آکنده از تأثر، درگذشت ناگهانی و دلخراش حمیدرضا درجانی، عکاس پرتلاش، شریف و با سابقه عرصه ورزش کشور را تسلیت می‌گوییم. او سال‌ها در خط مقدم روایت تصویر، جانانه ایستاد و با دوربین خود، نه فقط لحظه‌ها که شور زندگی را ثبت می‌کرد؛ اما چه تلخ است که سرانجام، در همان میدانی که عاشقانه در آن می‌زیست و می‌نگریست، چشم از جهان فرو بست. درگذشت ناباورانه‌اش در جریان انجام مأموریتی حرفه‌ای و عاشقانه، ما را با خلایق عمیق و جبران‌ناپذیر مواجه ساخت. حمیدرضا نه فقط یک عکاس که وجدان تصویری جامعه ورزش بود؛ کسی که نگاهش به صحنه، آمیخته با تعهد، دقت و عشق بود. به خانواده گرانقدرش، دوستان، همکاران رسانه‌ای و جامعه ورزش ایران صمیمانه تسلیت می‌گوییم و برای آن عزیز سفرکرده، آرامش و برای بازماندگان، صبر و شکیبایی آرزو داریم. روحش شاد و یادش همواره روشن باد.



دنیای سوادار

۳ در شهر

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۴

از (البرز) چه خبر؟

رئیس جمهور در جمع شهرداران کشور:

اختیارات شهرداری‌ها بر مبنای ارتقای خدمات افزایش می‌یابد



رئیس جمهور گفت: شهرداری‌ها کارگروهی تشکیل دهند و برای ارتقای خدمات خود نقشه و برنامه تهیه کنند تا اختیارات آنها در چارچوب برنامه‌ها افزایش یابد.

به گزارش پایگاه خبری کرج امروز دکتر مسعود پزشکیان شامگاه سه‌شنبه در نشستی با شهرداران کلان‌شهرهای کشور، با بیان اینکه شهرداری‌ها می‌توانند در زمینه رفع ناترازی انرژی، تامین مسکن و معیشت مردم به دولت کمک کنند، افزود: هدف دولت و شهرداری‌ها خدمت به مردم است؛ باید دست به دست هم و در کنار هم باشیم تا بتوانیم مشکلات مردم را حل کنیم؛ دولت آمادگی دارد تا از کمک شهرداری‌ها برای حل مشکلات بهره بگیرد. رئیس جمهور با اشاره به اینکه برای من هیچگاه قابل قبول نبوده که کشورمان در زمینه توسعه، از سایر کشورها عقب بيفتد، ادامه داد: ما امروز مشکلاتی از قبیل ناترازی در انرژی، تورم و حدود ۵ هزار همت پروژه ناتمام داریم که در حال برنامه‌ریزی برای حل این مشکلات هستیم، البته رفع برخی مشکلات زمان‌بر است. در ماه‌های اخیر برای تولید انرژی خورشیدی توسط بخش خصوصی سرمایه‌گذاری شده یا مقدمات آن در حال انجام است. دولت پیگیری تولید حدود هفت هزارمگاوات برق از طریق پنل‌های خورشیدی است.

دکتر پزشکیان در ادامه خاطرنشان کرد: در کنار تلاش برای افزایش تولید، به دنبال کاهش و مدیریت مصرف انرژی نیز هستیم؛ باید فرهنگ مصرف خود را اصلاح کنیم، زیرا بیش از اندازه مصرف انرژی داریم. شهرداری‌ها می‌توانند در تغییر فرهنگ مصرف به دولت کمک کنند. رئیس جمهور در بخش دیگری از سخنانش درباره برنامه دولت برای پیشبرد نهضت مدرسه‌سازی در کشور، خاطرنشان کرد: دولت مصمم است کیفیت و کمیت فضاهای آموزشی کشور را ارتقا دهد. نهضت

مدرسه‌سازی با مشارکت مردم و خیرین آغاز شده است. دکتر پزشکیان همچنین با انتقاد از وجود بی‌عدالتی در مدارس کشور، تصریح کرد: در خبرها آمده بود که خانواده‌ها در تهران، تا ۲۰۰ میلیون تومان برای تحصیل فرزندان‌شان در مدارس غیردولتی هزینه می‌کنند در حالی که خدمات آموزشی در مدارس دولتی مناسب نیست. دانش‌آموزان آینده کشور را می‌سازند و اگر به شکل صحیح تربیت شوند، مشکلات ما را حل خواهند کرد.

بیست و چهارمین جلسه شورای پژوهش برگزار شد

بلوار مصطفی خمینی تا خیام واقع در مهریلا انجام شد. وی، با بیان اینکه حوزه عمران منطقه با جدیت تمام برای عمران و آبادانی منطقه تحت پوشش تلاش می‌کند، اضافه کرد: از اواخر سال گذشته تاکنون معابر چهارم، ششم، روشنی‌پور و مینای اول در دهقان ویلای اول و خیابان‌های پنجم و ششم در دهقان ویلای دوم بهسازی و روکش آسفالت شده است. این مسئول همچنین از بهسازی و روکش آسفالت در خیابان‌های برخورداری، آبان شرقی در گلشهر و همچنین بلوار انوشیروان و پنجم فرعی در این مدت خبر داد که برای اجرای عملیات در تمامی این معابر ۶۰۰ تن آسفالت به کار رفته است.

سرپرست منطقه ۵ شهرداری کرج از تکمیل عملیات تراش و روکش آسفالت معابر در دو شهرک بهاران و گل‌ها واقع در بلوار هوشیار خبر داد. سیدمهییار حسینی گفت: منطقه ۵ با همکاری سازمان عمران و بازآفرینی شهری، عملیات تراش و روکش آسفالت گسترده‌ای را در راستای بهبود کیفیت تردد شهروندان و ارتقای سطح رفاه عمومی انجام داده و این عملیات در بخش‌های مختلف منطقه در حال اجراست. حسینی افزود: عملیات تراش و روکش آسفالت در شهرک بهاران و شهرک گل‌ها واقع در بلوار هوشیار شامل پنج معبر فرعی شهرک بهاران و دو معبر شهرک گل‌ها واقع از حافظ شمالی حفاصل

درخشش ورزشکاران اصفهانی در مسابقات سه‌گانه قهرمانی کشور؛ صیامپور کولاک کرد!



برنا نقیه، رفیع حبیب‌زاده و امیرعلی رستگار، نایب‌قهرمان کشور شد. در بخش انفرادی، پارسا صیامپور بر سکوی نخست ایستاد و عنوان قهرمانی کشور را به دست آورد. سام قهرمانی مقام دوم را کسب کرد و برنا نقیه در جایگاه سوم قرار گرفت. هدایت هر دو تیم را فرشاد دافدر و فرزاد دافدر برعهده داشتند. شایان ذکر است به‌دنبال این درخشش، برنا نقیه، اهورا دهقان و امیرعلی رستگار به اردوی تیم ملی سه‌گانه نوجوانان دعوت شدند.

اصغر قلندری

رقابت‌های قهرمانی ورزش سه‌گانه کشور به میزبانی شهرقم برگزار شد و تیم‌های نونهالان و نوجوانان استان اصفهان با عملکردی درخشان، افتخاری تازه برای ورزش این استان رقم زدند. در رده نونهالان، تیم اصفهان با ترکیب پارسا صیامپور، سام قهرمانی، پارسا عبداللهی و آبتین غلامی، عنوان نخست تیمی را از آن خود کرد. در رده نوجوانان نیز تیم اصفهان با حضور اهورا دهقان،

مکث

ضرورت هم‌افزایی دولت و شهرداری‌ها؛

کلان‌شهرها آینه توسعه‌اند

حمید رشید

دکتر مسعود پزشکیان، در یکی از صریح‌ترین و شاید انسانی‌ترین سخنرانی‌های خود از زمان آغاز ریاست‌جمهوری، به مسائلی اشاره کرد که گرچه هر روز در متن زندگی ایرانیان جاری است، اما کمتر در سطح تصمیم‌گیری کلان به‌طور شفاف از آن‌ها سخن گفته می‌شود: بی‌عدالتی آموزشی، ناترازی انرژی، پروژه‌های ناتمام، و مصرف بی‌رویه.

این‌بار، سخنرانی رئیس‌جمهور نه در محفل اقتصاددانان یا هیأت دولت، بلکه در جمع شهرداران کلان‌شهرها بود. مخاطبانی که نه صرفاً مدیران شهری، بلکه بازیگران خط مقدم مواجهه با بحران‌های زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند.

پزشکیان، با همان لحن دغدغه‌مند همیشگی‌اش، توپ را در زمین هیچ‌کس نینداخت. نه دولت را بی‌مسئولیت خواند، نه شهرداری‌ها را ناتوان. بلکه بر ضرورت «هم‌افزایی» تأکید کرد: دولت، شهرداری‌ها، مردم و بخش خصوصی، چهار ضلع مربع توسعه‌ای که بدون همکاری‌شان، هیچ ناترازی‌ای متعادل نمی‌شود.

تأکید رئیس‌جمهور بر مسئله ناترازی انرژی نعتیها ناظر بر بحران‌های حال حاضر (کمبود برق، فرسودگی شبکه، اتلاف منابع)، بلکه تلاشی است برای بازشناسی الگوی فرهنگی مصرف در ایران. او از اصلاح «فرهنگ مصرف» سخن گفت؛ عبارتی که گرچه تکراری به‌نظر می‌رسد، اما از زبان کسی می‌آید که سابقه سال‌ها طبابت، مدیریت و قانون‌گذاری دارد.

پزشکیان می‌داند تا زمانی که خانه‌های ما، ماشین‌های ما و ساختمان‌های دولتی ما از انرژی، بی‌محایا مصرف کنند، هیچ پنل خورشیدی‌ای ناجی این سرزمین نخواهد شد. برنامه دولت برای تولید ۷ هزار مگاوات انرژی خورشیدی از بخش خصوصی، گام مهمی است. اما آنچه این برنامه را به زیربنای تحول تبدیل می‌کند همکاری شهرداری‌ها در حوزه آموزش و فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی است. آیا شهرداری‌ها آماده‌اند که ساختار صدور پروانه، معماری شهری و مدل شهرسازی خود را با اصل «بهینه‌سازی مصرف انرژی» بازطراحی کنند؟

مدرسه، آینده‌ای که هنوز ناپایدار است

اما شاید تلخ‌ترین بخش سخنان رئیس‌جمهور آجا بود که از شکاف عمیق در نظام آموزشی سخن گفت. وقتی خانواده‌ای برای تحصیل فرزندش در مدرسه غیردولتی ۲۰۰ میلیون تومان هزینه می‌کند، اما مدرسه‌ای در حاشیه شهر حتی بخاری ایمن ندارد، مسئله فقط پول نیست؛ مسئله، عدالت است.

پزشکیان صریح می‌گوید که این وضعیت «قابل قبول نیست» و دولت به‌دنبال ارتقاء کیفی و کمی فضاهای آموزشی است. اما این نهضت مدرسه‌سازی، فقط با خیرین و مردم به سرانجام نمی‌رسد. اینجا نیز شهرداری‌ها نقش کلیدی دارند: از تأمین اراضی برای ساخت مدارس تا مشارکت در طراحی فضاهای شهری کودک‌محور. اگر قرار است دانش‌آموزان فردای ما را بسازند، امروز ما باید مدرسه را نه فقط یک ساختمان، بلکه مرکز توسعه‌یاب‌ار، بهینه‌مد، عدالت‌آموزشی، نخستین پیش‌نیاز عدالت اجتماعی است.

۵ هزار همت روی دوش آینده

پزشکیان از پروژه‌های ناتمامی سخن گفت که در سراسر کشور معطل مانده‌اند. رقمی در حدود ۵ هزار هزار میلیارد تومان؛ عددی که اگر فقط بخشی از آن صرف به‌روزرسانی شبکه‌های حمل‌ونقل، آموزشی، یا انرژی در کلان‌شهرها شود، جهشی ملموس در کیفیت زیست شهری پدید خواهد آمد. شهرداری‌ها در اینجا نیز باید مشارکت فعال‌تری داشته باشند: ارائه الگوهای سرمایه‌گذاری مشترک، تسهیل شرایط برای بخش خصوصی، و البته نظارت واقعی بر کارایی هزینه‌ها. چون ناتمامی، فقط یک مشکل مالی نیست، بلکه نشانه‌ای از گسست برنامه‌ریزی و مدیریت است.

سخنان رئیس‌جمهور بیش از آنکه وعده باشد، دعوت است. دعوت به بازتعریف نقش‌ها، بازاندیشی در الگوهای مصرف و مشارکت، و نگاهی تازه به مفاهیم عدالت، توسعه و مسئولیت. اگر قرار است آینده‌ای بسازیم که در آن تهران، تبریز، اصفهان و مشهد، نه صحنه مسابقه در مصرف، بلکه الگوهایی برای زندگی پایدار باشند، امروز باید از سطح شهر شروع کنیم. کلان‌شهرها، آینه توسعه‌اند؛ هرچه در آن‌ها نمایان شود، فردای کشور را ترسیم خواهد کرد.



اینفلوئنسرها، همه باید در پروژهی «پروژه مخاطب پرسشگر» نقش ایفا کنند. آموزش از طریق پادکست، نمایش‌نامه‌های شنیداری، برنامه‌های تلویزیونی ویژه نوجوانان، و حتی کارتون‌هایی با محتوای بررسی خبر، می‌توانند نطفه‌های فهم انتقادی را در ذهن نسل آینده بکارند.

واقعیت این است که مسئله صرفاً بر سر فیلتر و ممیزی نیست. نکته اصلی این است که تا مخاطب نپرسد، دروغ زنده خواهد ماند. امید به جامعه‌ای بدون فیک‌نیوز، نه با فشن دکمه فیلتر، بلکه با آموزش، تمرین و خلق فضاهای گفت‌وگویی ممکن خواهد شد. تنها وقتی پرسشگری به خصلتی جمعی و نهادینه بدل شود، می‌توان امیدوار بود که جامعه، از مصرف‌کننده منفعل به تحلیل‌گر فعال روایت‌ها تبدیل شود.

سواد رسانه‌ای همان توان زنده ماندن است!

در عصر فعلی، حقیقت دیگر خصلتی ذاتی یک گزاره نیست، بل نتیجه نبردی ست میان روایت‌ها، قدرت‌ها و هیجان‌ها. زمانی، خبر حامل واقعیت بود؛ امروز، هر واقعیتی باید خودش را به شکل یک خبر «قابل پخش» درآورد تا دیده شود. در چنین فضایی، فیک‌نیوز نه صرفاً یک دروغ، که نوعی زیست رسانه‌ای است؛ دروغی که با سرعت، تصویر، و احساس تکثیر می‌شود و از حقیقت پیشی می‌گیرد. همان‌طور که نیچه می‌گفت: «واقعیت‌ها وجود ندارند، تنها تفسیرها هستند» و ما در عصر تفسیرهایی زندگی می‌کنیم که با دستکاری و انگیزه، جای حقیقت را گرفته‌اند.

ماجرای سردار آزمون، ماجرای ترامپ و خلیج فارس، و هزاران شایعه دیگر نشان دادند که در ایران، مخاطب نه تنها در برابر دروغ آسیب‌پذیر است، که در بسیاری موارد، به‌طور ناخواسته تبدیل به ابزار پخش دروغ می‌شود. این نه از سر نیت، که از سر خلایق است به نام «فقدان سواد رسانه‌ای». جامعه‌ای که هنوز فرق بین خبر و تفسیر، بین منبع و کپشن، بین واقعیت و اغراق را نمی‌داند، برون‌رفت از این وضعیت در فیلترینگ کور و پندنامه‌نویسی بی‌حاصل نیست؛ آن‌ها را در تربیت «آذهان پرسشگر» می‌توان جست‌وجو کرد. ذهنی که یاد بگیرد از خودش بپرسد: «چه کسی این خبر را ساخته؟ با چه هدفی؟ چه کسی از باور آن سود می‌برد؟» این همان چیزی است که فوکو «تمرین انتقادی خود» نامیده بود؛ مهارتی که بدون آن، هر جامعه‌ای، دیر یا زود، قربانی دروغ‌هایی می‌شود که خودش آن‌ها را باز نشر داده. سواد رسانه‌ای در این میان، نقشی بقا را در یک زیست‌بوم رسانه‌ای آلوده است. همان‌طور که ما سواد خواندن و نوشتن را برای فهم جهان مکتوب آموختیم، باید سواد رسانه‌ای را برای زیستن در جهانی که از «نمایش» اشباع شده، فرا بگیریم. جامعه‌ای که ابزار دفاع در برابر فیک‌نیوز نداشته باشد، دیر یا زود به جامعه‌ای تبدیل می‌شود که مرز میان واقعیت و خیال در آن فرو می‌ریزد و اژداهای اروپا، چیزی جز ترس، شک، و فرسودگی بیرون نمی‌آید.

قصه؛ در جهانی که هر تصویر حامل فرمانی ست نامرئی، و هر خبر، اسب تزوای قدرتی پنهان، نپرسیدن یعنی تسلیم. اگر نپرسیم، می‌بلعمان. اگر بفهمیم، شاید نگذاریم دیگران را ببلعند...

مردمی که دائماً در معرض اخبار جعلی و وارونه قرار می‌گیرند، دچار «تحلیل عقلانی» نمی‌شوند، بلکه دچار «فرسایش روانی» می‌شوند. اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بی‌قدرتی، و تئوری‌های توطئه، همگی پیامدهای اجتماعی و روانی فضای فیک‌نیوزی هستند. این همان چیزی است که زیگموند باومن از آن به‌عنوان «جامعه سیال و نامن» یاد می‌کند؛ جایی که ترس دائماً بازتولید می‌شود.

ایران ما چه باید بکند؟

فیک‌نیوز در ایران، دیگر صرفاً یک نقص در جریان اطلاعات نیست؛ این پدیده به بحران ادراک عمومی تبدیل شده، بحرانی که ذهن جامعه را در حالی آونگار میان دو قطب متضاد نگه می‌دارد: از یک‌سو بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی که با سردی، کلیشه و تأخیر پاسخ می‌دهند، و از سوی دیگر، اعتماد بی‌محابا به منابع غیررسمی که اغلب در هیجان، سرعت و بی‌دقتی غرق‌اند. در این میان، مخاطب نه تنها در معرض خطاهای شناختی قرار می‌گیرد، بلکه در مسیر فهم دقیق واقعیت‌های اجتماعی، گم می‌شود. ماجرای سردار آزمون، با ترجمه‌های ناقص و حمله‌های تند، از همان لحظه اول نشان داد مشکل از کجا نشأت می‌گیرد: نه صرفاً از رسانه‌های معاند، بلکه از ناآشنایی عمومی با اصول سواد رسانه‌ای و سکوت نهادهایی که باید مرجعیت تفسیر باشند. در سوی دیگر، خبر جعلی درباره ترامپ و خلیج فارس، وقتی توسط برخی رسانه‌های نیمه‌رسمی و بی‌منبع باز نشر شد، تنها یک چیز را فریاد می‌زد: فقدان سیستم ارزیابی اعتبار، حتی در میان خبرگران رسانه‌ای. در چنین شرایطی، اولین گام نجات، نه از جنس سانسور یا هشدارهای تبلیغاتی، که بازنگری ریشه‌ای در سیاست‌های آموزشی و رسانه‌ای کشور است. سواد رسانه‌ای نباید در حد یک واحد درسی فراموش‌شده باقی بماند؛ بلکه باید همچون واکسنی ضروری، از مقطع دبستان تا دانشگاه، در جان آموزش رسمی جاری شود. باید به دانش‌آموزان آموزش داد چگونه منبع را بشناسند، تیتراژ بفهمند، و مرز میان واقعیت و بازنمایی را تشخیص دهند. مانسی نیاز داریم که فرقی بین «خبر» و «روایت» را بفهمند.

در گام بعد، تأسیس نهادهای مستقل fact-checking ضرورتی غیرقابل تعویق است. این نهادها باید از سیطره جناحی دور بمانند و به‌مثابه داوران بی‌طرف رسانه‌ای، به بازسازی اعتماد عمومی کمک کنند. همکاری میان روزنامه‌نگاران آزاد، دانشکده‌های علوم ارتباطات و حتی پلتفرم‌های دیجیتال داخلی (البته اگر پوست‌اندازی کنند و از ساختار تبلیغاتی خارج شوند) می‌تواند بستر تولد چنین نهادهایی باشد؛ اما بازی رسانه‌ای بدون اصلاح ساختار رسانه‌های رسمی، ناتمام خواهد ماند. رسانه‌ای که تنها در نقش تکذیب‌کننده دیر هنگام ظاهر شود، مرجعیت خود را از دست می‌دهد. مخاطب ایرانی امروز به صدای منتقد، دقیق، و صادق نیاز دارد؛ رسانه‌ای که شفاف باشد، نه شعاری. اقتدار رسانه، دیگر نه در انحصار اطلاع، بلکه در ظرفیت پاسخ‌گویی و شفافیت آن است.

در سطح اجتماعی و فرهنگی نیز، باید حلقه‌های آموزش از کلاس درس فراتر روند. چهره‌های عمومی، معلمان، روزنامه‌نگاران، حتی

مخاطبان ایرانی در هجوم خبرهای ساختگی و فقدان سواد رسانه‌ای می‌سیر می‌کنند؟

پست شد، پس هست!

مهدی تیموری

باید دیوار نگهبان حقیقت باشند، گاه خود به ابزاری برای پوشاندن یا هدایت آن بدل می‌شوند. در غیاب نهادهای مستقل و معتبر راستی‌آزمایی - آنگونه که در کشورهای دیگر زیر عنوان‌هایی چون PolitFact یا Les Décodateurs عمل می‌شود - مخاطب ایرانی در میانه دو میدان نامطمئن رها شده است: از یک‌سو رسانه‌هایی که دیگر شنیده نمی‌شوند چون اعتماد از دست داده‌اند و از سوی دیگر، بسترهایی پرهیاهو که اصلاً هیچ‌گاه اعتبار نداشته‌اند. آنچه در این میانه قربانی می‌شود، نه فقط حقیقت به‌معنای سنتی‌اش، که امکان شکل‌گیری حقیقت است؛ این فرسایش، نه ناگهانی، که با فرود آمدن مداوم قطره‌هایی از تردید، دروغ و بی‌تحلیلی رخ می‌دهد. در چنین بزنگاهی، میشل فوکو با مفهوم کلیدی خود یعنی «تبارشناسی حقیقت» به ما نقشه‌ای دیگر از واقعیت ارائه می‌دهد. او حقیقت را نه بازتاب بیرونی واقعیتی خالص، بلکه ساختی تاریخی-قدرتی می‌داند که در دل میدان‌های نبرد گفتگویی شکل می‌گیرد. حقیقت، در نگاه فوکو، محصول پیروزی در مبارزهای خاموش است؛ مبارزهای که نه با منطق، که با زبان، قدرت، نهاد و چارچوب‌های دانایی رقم می‌خورد. در این مدل، رسانه رسمی هرگز موجودی بی‌طرف نیست؛ حتی اگر وانمود کند صرفاً اطلاع‌رسانی می‌کند، در حقیقت در کار «چیدن صحنه» است. همانقدر که رسانه‌های غیررسمی، هرچند با نقاب بی‌طرفی و مردمی‌بودن وارد می‌شوند، اغلب در تسخیر احساسات، قبیله‌گرایی دیجیتال، یا حتی منافع سازمان‌یافته عمل می‌کنند؛ و درست در این فضای خاکستری، آنجا که نه مرز نهاد روشن است، نه مرز شایعه، دروغ خانه می‌کند. این دروغ، نه از راه منطق، که با تکرار، تصویر، لحن و زمان‌بندی، خود را جایگزین واقعیت می‌کند. آنچه پیروزی می‌شود، گزاره‌ای نیست که درست‌تر است؛ گزاره‌ای است که بیشتر دیده شده، بهتر شنیده شده، و هیجان‌برانگیزتر باز نشر شده است.

در جهان فوکویی، قدرت حکم نمی‌کند «چه چیزی درست است»؛ قدرت فقط بازی را طوری طراحی می‌کند که تنها برخی چیزها بتوانند شنیده شوند. فیک‌نیوز در چنین میدانی رشد می‌کند: از دروغ ساده به روایتی مشروع بدل می‌شود، نه چون مستند است، بلکه چون در مسیر ترجیحات قدرت و عادت‌های ادراکی جامعه جا خوش کرده است. از این‌رو، پرسیدن «چه کسی دروغ گفته؟» ما را به جایی نمی‌رساند. پرسش بنیادین این است: چه سازوکار، چه نظام دانایی، چه زمینه‌ای این دروغ را ممکن، باورپذیر، و حتی جذاب کرده است؟ آنجاست که دیگر با دروغ سروکار نداریم، با ساختار باورطرفیم.

فیک‌نیوز به مثابه ابزار کنترل

فیک‌نیوز صرفاً یک خطای ارتباطی نیست. گاهی ابزاری برای کنترل افکار عمومی است. بویژه در جوامعی که زیرساخت گفت‌وگوی عقلانی ضعیف است، شایعه می‌تواند نقش تخریبی ایفا کند یا افکار را از موضوعی به موضوع دیگر منحرف سازد. در چنین بسترهایی، فیک‌نیوز نوعی سلاح نرم است. این دقیقاً همان جایی است که آدورنو و هورکاheimer در نقد رادیکال خود از «صنعت فرهنگ» هشدار می‌دهند: رسانه‌ها در نظام سرمایه‌داری برای بیداری طراحی نشده‌اند؛ کار اصلی آن‌ها خواباندن است! آن‌ها آگاهی را در زورق سرگرمی می‌پیچند و به مصرف روزمره بدل می‌کنند؛ تا تو را با لذت سطحی و هیجان گذرا، از اندیشیدن بازدارند. فیک‌نیوز دقیقاً با همین منطق کار می‌کند: نمایشی است مهیج، ارزان، و آماده مصرف. درست مانند یک برنامه تلویزیونی بی‌خاصیت که نمی‌خواهد تو چیزی بدانی، فقط می‌خواهد تو را پای صفحه نگه دارد. دروغ در عصر فیک‌نیوز، فقط فریب نیست، نمایش است. نمایشی که تو را عصبانی می‌کند، درگیری می‌کند، اما در نهایت تو را از مهم‌ترین سؤال‌ها دور نگه می‌دارد: چه کسی سود می‌برد؟ چرا حالا؟ و چرا این روایت؟

آدورنو جایی می‌نویسد که صنعت فرهنگ، مخاطب را با نوعی «سانسور غیرمستقیم» یعنی «اشباع محتوا» فلج می‌کند. فیک‌نیوز هم تو را با سیل اطلاعات، تصاویر، تیتراژهای جنجالی و روایت‌های متضاد بمباران می‌کند، تا دیگر فرصتی برای تردید نداشته باشی. نتیجه‌اش؟ یک ذهن خالی از تحلیل. پر از خشم که در این غوغا، سکوت و واقعیت زیر فریاد روایت دفن می‌شود.

ما در دورانی زندگی می‌کنیم که هر گوشی هوشمند، چاپخانه‌ای بی‌سرمدیر است؛ فقط چند انگشت هیجان‌زده، یک تیتراژ اغواگر و یک هشتگ کافی‌ست تا یک روایت جعلی در عرض چند دقیقه تبدیل به «واقعیت جمعی» شود. در چنین زیست‌بومی، واقعیت آن چیزی نیست که رخ داده است. آن چیزی است که بیشتر لایک گرفته، دیده، احساس و باز نشر شده است. هفدهم اردیبهشت، هم‌زمان با شایعه تغییر نام «خلیج فارس» توسط ترامپ، فضای مجازی فارسی با «تکذیب‌های جعلی» منفجر شد: از پسر ترامپ! کدام پسر؟ کجا؟ مهم نبود. پیش از آنکه عقل فرصت تأمل یابد، فیک‌نیوز راهش را از طریق کلیک‌ها و کانال‌ها باز کرده بود. چند روز بعد، نوبت سردار آزمون بود؛ اشتباه در ترجمه‌های ساده، بهانه‌ای شد برای حمله‌های هویتی. در هر دو مورد، واکنش‌ها نه از تحلیل، که از آمادگی پیشینی آذهان برای قضاوت می‌آمد. ژان بودریار این وضعیت را «عصر وانمودها» می‌نامد: جایی که بازنمایی‌ها جای حقیقت را گرفته‌اند. فیک‌نیوز، در چنین جهان حادواقعیتی، براحتی در قالب روایت، احساس و هیجان، به واقعیتی باورپذیر بدل می‌شود. به قول هربرت شیلر، در بمباران رسانه‌ای، ذهن بی‌سپر می‌ماند و وقتی عقل تحلیل نمی‌کند، احساس تصمیم می‌گیرد. اینجاست که هشدار یوگن هابرماس معنا می‌یابد: در فقدان فضای عمومی عقلانی، دموکراسی فرو می‌پاشد و ما، بدون سواد رسانه‌ای، نه مخاطب، که طعمه‌ای برای دروغ‌های خوش‌ساخت خواهیم بود.

طعمه فریب یا هم‌دست ناخواسته؟

فیک‌نیوز، جان و قدرت ذاتی ندارد. جان آن را ذهن‌هایی می‌دهند که آماده پذیرش بی‌قید و شرط‌اند. دروغ، تا وقتی مخاطب آن را به رسمیت نشناسد، فقط داده‌ای خام است. اما در جامعه‌ای بی‌سپر، فاقد مهارت تفکیک و ناآموخته در تحلیل، همین داده به سرعت بدل به باور می‌شود.

بر اساس روان‌شناسی شناختی، بویژه نظریه سوگیری تأییدی، ذهن انسان بازتاب‌دهنده خالص نیست؛ انتخاب‌گر است. انتخابی ناخودآگاه، که اغلب با هیجان، پیش‌فرض و حس قضاوت تغذیه می‌شود. مخاطبی که انتظار توهین از «ترامپ» دارد، دنبال سند نمی‌گردد؛ هر اشاره مبهمی برای تبدیل به یقین کافی ست. خشم جای حقیقت را می‌گیرد، و تحلیل زیر فشار احساس له می‌شود. هانس گئورگ گادامر به ما یادآوری می‌کند که هیچ فهمی، بی‌پیش‌داوری شکل نمی‌گیرد. ما جهان را نه آنگونه که هست، بلکه آنگونه که از پیش آماده‌ایم، می‌فهمیم. در ماجرای سردار آزمون نیز، مسئله فراتر از ترجمه‌های نادقیق بود؛ آنچه در ذهن بسیاری از مخاطبان فوراً فعال شد، نه جمله‌ای واقعی، که تفسیر شتاب‌زده‌ای از تصویری از پیش ساخته‌شده بود. تصویری که رسانه‌ها و فضای مجازی، به‌تدریج از سلبریتی‌ها □ خاصه فوتبالیست‌های نظیر او - ساخته‌اند: چهره‌هایی با کمترین میزان پیوند با فرهنگ بومی. این تصویر، محصول سردار آزمون نبود، بلکه بازتاب ذهنیت عمومی‌ای است که در مواجهه با هر رفتار یا گفتار مبهم، بجای توقف و تحلیل، ماشه قضاوت را می‌کشد.

مارشال مک‌لوهان گفته بود: «رسانه، خود پیام است». فرم محتوا را می‌سازد. استوری ۱۵ ثانیه‌ای با ایموجی خشم، فقط سرعت دارد، نه صحت. اما فراتر از فرم، الگوریتم‌ها اکنون گریزن‌گر حقیقت‌اند. آنچه دیده می‌شود، مهم‌تر از آن چیزی است که درست است.

اسلاوی ژیزک در توصیف این وضعیت می‌گوید: «در جهان امروز، هیجان رسانه‌ای جای عقلانیت عمومی را گرفته است». درواقع، آنچه ارزش دارد، تأثیر روایات است، نه منشأ آن‌ها. و رسانه‌ها، احساس را بالاتر از حقیقت می‌نشانند؛ چون حقیقت لایک نمی‌گیرد.

فیک‌نیوز و فقدان نهاد مرجع

در ایران، بحران فیک‌نیوز تنها از ترک تحصیل نظام آموزشی در برابر مفهوم سواد رسانه‌ای آغاز نمی‌شود؛ این رخن، نه یکجا، که در چندین بافت اجتماعی هم‌زمان سر باز می‌کند. رسانه‌هایی که

موزه بین‌المللی ادیان و مذاهب در قم تأسیس شود

سرپرست اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان قم در دیدار با موسس دانشگاه ادیان و مذاهب از ضرورت راه‌اندازی موزه بین‌المللی ادیان و مذاهب در شهر قم خبر داد و بر همکاری همه‌جانبه برای تحقق این طرح فرهنگی تأکید کرد.

به گزارش «دنیای هوداد» به نقل از روابط عمومی دانشگاه ادیان و مذاهب حجت‌الاسلام عباسعلی باباگل‌زاده روز گذشته در دیدار با مسئولان دانشگاه ادیان و مذاهب با اشاره به جایگاه ویژه قم در جهان اسلام اضافه کرد: قم قلب جهان تشیع است و تشیع همواره مظهر مدارا و گفت‌وگو بوده است، از این‌رو تأسیس موزه‌ای با عنوان «موزه بین‌المللی ادیان و مذاهب» برای نمایش این فرهنگ به جهانیان ضروری است.

وی افزود: این موزه می‌تواند مکانی برای معرفی تاریخ تعامل ادیان و گفت‌وگوی بین‌المللی بر پایه عقلانیت دینی باشد و ما امیدواریم با مشارکت دانشگاه ادیان و مذاهب بتوانیم این طرح را به سرانجام برسانیم.

سرپرست اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی قم با بیان اینکه گردشگران خارجی علاقه زیادی به شناخت تاریخ، فرهنگ و بناهای مذهبی این شهر دارند، گفت: ظرفیت‌های فرهنگی و گردشگری قم باید بیش از گذشته معرفی شود و برای این مهم، نیازمند همکاری همه مجموعه‌های علمی و فرهنگی استان هستیم.

باباگل‌زاده با اشاره به تربیت راهنمایان گردشگری آشنا به زبان‌های بین‌المللی از سوی اداره کل میراث فرهنگی قم اظهار داشت: این کارشناسان توانایی معرفی فرهنگ دینی، مذهبی و تاریخی قم به گردشگران خارجی را دارند و می‌توانند نقش مهمی در ترویج گردشگری مذهبی ایفا کنند.

در این دیدار، موسس دانشگاه ادیان و مذاهب نیز با استقبال از پیشنهاد تأسیس موزه بین‌المللی ادیان و مذاهب در قم، آن را ایده‌ای جذاب و ابتکاری توصیف کرد و گفت: این دانشگاه آمادگی دارد تجربه‌های علمی، فرهنگی و بین‌المللی خود را در اختیار سایر نهادهای قرار دهد و برای تحقق این طرح از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالحسن نواب با اشاره به سفرهای متعدد خود به کشورهای مختلف جهان خاطرنشان کرد: در بسیاری از کشورها به صنعت گردشگری توجه ویژه‌ای می‌شود، در حالی که ما هنوز در این زمینه غفلت‌هایی داریم. با این حال، اقدامات اخیر وزارت میراث فرهنگی به‌ویژه با مدیریت دکتر سیدرضا صالحی‌امیری، امیدهای تازه‌ای در توسعه توریسم ایجاد کرده است.

نواب به حضور دانشجویانی از ۳۰ کشور در دانشگاه ادیان و مذاهب و برگزاری دوره‌های علمی با مشارکت چهره‌های بین‌المللی اشاره کرد و افزود: این دانشگاه نقش مهمی در رونق توریسم علمی در کشور دارد و می‌تواند در معرفی قم به‌عنوان یک شهر فرهنگی، علمی و مذهبی نقش آفرینی مؤثری داشته باشد.

گفتنی است: در این جلسه دو طرف بر امضای تفاهم‌نامه همکاری میان دانشگاه ادیان و مذاهب و اداره کل میراث فرهنگی قم تأکید کردند و راهکارهای گسترش این همکاری‌ها مورد بررسی قرار گرفت.



سفیر قطر خواستار گسترش همکاری‌های فرهنگی و ادبی با ایران شد

سفیر قطر در ایران با حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران خواستار گسترش همکاری‌های فرهنگی و ادبی در حوزه برگزاری نمایشگاه و چاپ و نشر براساس ظرفیت‌های دو طرف شد. به گزارش «دنیای هوداد» به نقل از ستاد خبری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، سعد عبدالله سعد آل محمود الشریف در سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با محسن جواد، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس نمایشگاه کتاب و ابراهیم حیدری، مدیرعامل خانه کتاب و قائم مقام نمایشگاه، دیدار کرد. تمایل داریم در عرصه چاپ و نشر آثار با ایران همکاری ویژه‌ای داشته باشیم. بیش از ۳۰۰ هزار کتاب آماده چاپ با همکاری ایران و ناشران این کشور وجود دارد که ظرفیت خوبی برای همکاری است.



دنیای هوداد

فرهنگی

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۴

رویداد

در «نشست ادبیات در قاب تصویر» مطرح شد:

«سووشون» نه فقط یک رمان، که بخشی از حافظه فرهنگی ماست



وی گفت: بشر از آغاز، در برابر حیرت و بلاتکلیفی تاب نمی‌آورد. برای همین، از زمانی که صدای باران را می‌شنید، آن را به خواست خدای باران نسبت می‌داد. او برای فهم و تحمل جهان، نیاز به روایت داشت. روایت، تلاش بشر برای معنا دادن به جهان و خودش است. از نقاشی روی دیوار غار گرفته تا افسانه و اسطوره، انسان همیشه خواسته است که بگوید: «من هستم». ادبیات، نمایش و سینما، ادامه‌ی همین میل به روایت‌اند. روایت، ساختاری است که انسان به واسطه آن انسجام ذهنی و هویتی پیدامی‌کند. به تعبیر فیلسوفان معاصر، «انسان موجودی است که در قصه‌ها باز می‌شود».

این منتقد هنری افزود: روایت فقط متن نیست، تفسیر هم هست. ما با روایت‌های شخصی‌مان زندگی می‌کنیم. خودمان را در آن‌ها بازمی‌یابیم یا بازسازی می‌کنیم. این یعنی هر تماشاگر یا خواننده، به‌نوعی، خالق یک روایت تازه است؛ روایتی از متن، از زندگی، از خویشتن بنابراین، وقتی با یک اثر اقتباسی روبه‌رو می‌شویم، باید بپذیریم نسخه سینمایی، لزوماً تکرار وفادارانه سطر به سطر رمان نیست، چنین چیزی ممکن هم نیست. روایت هرکس از یک متن متفاوت است اما آنچه مهم است، نسبت سازنده با جهان نویسنده است.

مقدسایان اظهار داشت: تجربه نشان داده بیشتر ما حتی وقتی کتابی را می‌خوانیم، تصویری در ذهن می‌سازیم که ممکن است هیچ‌گاه در متن نیامده باشند. پس بیایید به جای داورهای شتاب‌زده، روایت خانم آبیاری را ببینیم؛ ممکن است چیزی در آن بیابیم که ما را به روایت تازه‌ای از خودمان برساند.

سی و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ با شعار «بخوانیم برای ایران» در محل مصلی امام خمینی (ره) در حال برگزاری است. این دوره از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در فضای مسقف نزدیک به ۷۵ هزار متر مربع در مصلی امام خمینی (ره) برگزار می‌شود.

در نمایشگاه کتاب سال جاری دو فضای دو هزار مترمربعی در دو سوی گنبدخانه مصلی برای بخش ناشران آموزشی تدارک دیده شده است. بخش کودک‌ونوجوان نیز در زیرزمین شبستان شرقی با فضایی بالغ بر ۲۰ هزارمترمربع برپا خواهد شد.

هم‌زمان با برگزاری بخش حضوری نمایشگاه کتاب ۱۴۰۴ تهران، بخش مجازی نمایشگاه نیز در سامانه book.icfi.ir امکان خرید غیرحضوری کتاب را برای علاقه‌مندان مهیامی‌کند.

از آرزوهای دیرینه من این بود که «سووشون» در قامت یک اثر سینمایی یا سریالی جان بگیرد. همیشه برایم عجیب بود چرا چنین اثری سال‌ها از نگاه سینما دور مانده. البته همیشه فکر می‌کردم این داستان را نه هر کسی، بلکه فقط یک زن می‌تواند بسازد؛ زنی که بتواند عمق نگاه سینماین دانشور را درک کند و آن را با زبان تصویر روایت کند. به گمانم این اثر منتظر بود تا کارگردانش، در زمان خودش، از راه برسد.

وی اظهار داشت: این داستان، داستانی بزرگ و حق است تمام مردم ایران آن را بشنوند و با آن زندگی کنند. طبعاً اهل فرهنگ و ادبیات با آن آشنا هستند اما این اقتباس فرصتی است برای ورود آن به لایه‌های وسیع‌تری از اجتماع. باور دارم این اتفاق می‌تواند سرآغاز دوره‌ای تازه در اقتباس‌های ادبی در کشور ما باشد.

این نویسنده افزود: یکی از مشکلات رایج در میان برخی فیلم‌سازان این است که تنها یک اثر از یک نویسنده را می‌خوانند و تصور می‌کنند همین برای اقتباس کافی‌ست اما این نگاه سطحی‌ست. ما، به‌عنوان اهالی فرهنگ، باور داریم که یک کارگردان باید وارد جهان فکری نویسنده شود؛ باید بداند کجا با او همدل است و کجا با او اختلاف دارد، و این نسبت را در اثر خود بازتاب دهد. آبیاری به‌خاطر پیشینه ادبی‌اش، به‌خوبی این مسیر را طی کرده است. من مدت‌هاست که به‌دلیل علاقه‌ام به اقتباس، آثار بسیاری را از این‌منظر دیده‌ام. متأسفانه در مواردی دیده‌ام که فیلم‌سازان بدون درک جهان نویسنده، اثری کاملاً جدا از متن اصلی خلق کرده‌اند و طبیعی‌ست که چنین آثاری معمولاً با استقبال مواجه نمی‌شوند.

عزتی پاک گفت: سووشون برای ما نویسندگان ایرانی، تبدیل به یک متن کلاسیک شده است و آن را به‌عنوان الگویی ایرانی و ملی شناخته‌ایم. این اثر تنها یک داستان نیست؛ یک جریان فکری و فرهنگی‌ست و مخاطبان نیز به آن وفادارند. یکی از دشواری‌های ساخت اقتباس از آثار بزرگ همین است: مخاطبانی وجود دارند که انتظار دارند نسخه سینمایی، خطرات و معناهایی که در ذهنشان شکل گرفته را دوباره زنده کند. اگر احساس کنند به اثر خیانت شده، قطعاً واکنش منفی نشان خواهند داد.

وی افزود: اما اقتباس فقط بازتولید گذشته نیست. فیلم یا سریال باید بتواند با مخاطبان جدید هم ارتباط برقرار کند؛ کسانی که ممکن است هرگز کتاب را نخوانده باشند. بنابراین باید بین وفاداری به اصل اثر و بازآفرینی مدرن، تعادلی هنرمندانه ایجاد کرد. این کاری بسیار دشوار، اما شدنی است.

اقتباس یعنی ترجمه ادبیات به زبان تصویر، نه رونویسی از متن

محمدرضا مقدسیان، در ادامه نشست گفت: من سینما را نه‌تنها هنر تصویر، بلکه بازتابی از زیست ادبی انسان می‌دانم. در زندگی روزمره، بخش زیادی از مفاهیم را بدیهی فرض می‌کنیم اما درست همین بدیهیات‌اند که به پاشنه‌آشیل انسان معاصر تبدیل شده‌اند. اگر بشر قرار بود همه‌چیز را بدیهی ببیند، امروز به آنچه هست نمی‌رسید. اجازه دهید پیوندی برقرار کنم میان ادبیات، سینما و انسان. از نظر من، همه این‌ها زیر یک چتر واحد قرار دارند: هنر و هنر چیزی جز بازنمایی انسان و پرسش از هستی‌اش نیست.

منیره زینلی

یک منتقد ادبی در نشست «ادبیات در قاب تصویر» با تأکید بر جایگاه سینماین دانشور در ادبیات معاصر، رمان «سووشون» را اثری دانست که فراتر از داستان‌گویی، لایه‌هایی از تاریخ، جامعه و اسطوره را در خود دارد؛ و همین ویژگی‌هاست که آن را برای اقتباس سینمایی مستعد و ارزشمند می‌سازد.

نشست ادبیات در قاب تصویر عصر گذشته به بهانه ساخت سریال «سووشون» اثر نرگس آبیاری با اقتباس از رمان «سووشون» اثر سینماین دانشور در سرای اهل قلم سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب برگزار شد. در این نشست نرگس آبیاری کارگردان سریال «سووشون»، بهنوش طباطبایی بازیگر نقش «زری»، شیوا مقالو و علی‌اصغر عزتی پاک نویسنده و محمدرضا مقدسیان منتقد، حضور داشتند.

شیوا مقالو، درباره این اثر هنری گفت: سینماین دانشور به عنوان یکی از نخستین زنانی که در ایران رمانی با معیارهای جهانی نوشتند، جایگاهی ویژه در ادبیات معاصر ما دارد. او نه تنها از طبقه‌ای فرهنگی و برخوردار از دسترسی آموزشی و مالی بودند، بلکه تسلطی جدی بر زبان‌های خارجی و آشنایی عمیق با ادبیات غرب داشت. این نکته اهمیت زیادی دارد؛ زیرا با نویسنده‌ای روبه‌رو هستیم که هم ادبیات جهان را می‌شناسد، هم ترجمه کرده و هم آثاری اصیل به زبان فارسی خلق کرده است.

وی افزود: «سووشون» در دوره‌ای خاص از زندگی نویسنده نوشته شده؛ دورانی که ایران در حال دگرگونی‌های مهم اجتماعی و فرهنگی بود. همین مسئله، کتاب را به منبعی غنی برای شناخت لایه‌های مختلف جامعه تبدیل کرده است. طبیعی است که چنین آثاری، که به میراث فرهنگی ما بدل شده‌اند، قابلیت اقتباس برای سینما و تلویزیون را نیز دارند.

این نویسنده اضافه کرد: در اقتباس، ما با نوعی بازآفرینی خلاقانه روبه‌رو هستیم. فیلم‌ساز با بهره‌گیری از زبان و ابزارهای خاص سینما، نسخه‌ای تازه از اثر ادبی خلق می‌کند. مهم است که این نسخه، در عین وفاداری به روح و مضمون اثر، هویت مستقل خود را نیز حفظ کند. به‌ویژه در مورد اثری چون سووشون که نه‌تنها داستانی شناخته‌شده دارد، بلکه از نگاه بسیاری از منتقدان، به بخشی از حافظه فرهنگی ما بدل شده است.

مقالو ادامه داد: ما وارد دوره‌ای در ادبیات ایران شده‌ایم که دیگر نویسنده فقط درباره اشراف، شاهزاده‌ها یا قهرمانان اسطوره‌ای نمی‌نویسد. نویسندگان بزرگی، به‌ویژه زنان، از بطن واقعیت و زندگی روزمره می‌نویسند و به بررسی اقشار مختلف جامعه، تاریخ معاصر و تحولات سیاسی و اجتماعی زمانه‌شان می‌پردازند. در این میان، رئالیسم در ادبیات ما نقش مهمی یافته و آثار این دوره بازتابی از لایه‌های گوناگون زیست ایرانیان است. دانشور نیز در آثارش، با رجوع به اسطوره و تاریخ، نقدی بر زمانه خود وارد می‌کنند. اسطوره‌ها در آثار او نه نمادهای ایستا، بلکه ابزارهایی برای بیان دغدغه‌های عدالت‌خواهانه و انسانی هستند. از سووشون تا دیگر آثارش، با پرسش‌هایی درباره اخلاق، ایستادگی و نسبت انسان با تاریخ و جامعه روبه‌رو هستیم.

سووشون الگویی ایرانی و ملی است

علی‌اصغر عزتی پاک، در ادامه این نشست گفت: یکی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۰۸۷۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید احمدی بشناسنامه شماره ۱۰۱۸۵ صادره از تهران فرزند حسین رضا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۰۵ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۸۰ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای صفی اله احمدی و با مالکیت مالک اولیه آقای آقامعلی ناصرخاکي تایید مینماید لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۲۹۵۴۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۰۸۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی آربین بشناسنامه شماره ۴۹۰ صادره از ری فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۲۰ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۸۰ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای حسین زکی زاده و با مالکیت مالک اولیه آقای رجبعلی ناصرخاکي تایید مینماید لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۲۹۳۷۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۰۸۸۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم کبری کریمی بشناسنامه شماره ۲۹۸۶ صادره از کرج فرزند جانعلی در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۸۲/۶۸ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۸۰۴ فرعی از ۱۴۱ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای منصور خلیج و با مالکیت مالک اولیه آقای محمد کمال زاده (که توسط احدی از ورثه وی بنام خانم فرشته کمال زاده منتقل گردیده) تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۳۰۳۷۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۰۸۷۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مصطفی مدیرروستا بشناسنامه شماره ۵۰۰۷ صادره از کرج فرزند اصغر در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۸۲/۶۸ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۸۰۴ فرعی از ۱۴۱ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای منصور خلیج و با مالکیت مالک اولیه آقای محمد کمال زاده (که توسط احدی از ورثه وی بنام خانم فرشته کمال زاده منتقل گردیده) تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۳۰۳۵۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۰۸۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم کبری کریمی بشناسنامه شماره ۲۹۸۶ صادره از کرج فرزند جانعلی در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۹۳/۳۹ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۸۰۴ فرعی از ۱۴۱ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای منصور خلیج و با مالکیت مالک اولیه آقای محمد کمال زاده (که توسط احدی از ورثه وی بنام خانم فرشته کمال زاده منتقل گردیده) تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۳۰۳۹۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۰۸۷۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مصطفی مدیرروستا بشناسنامه شماره ۵۰۰۷ صادره از کرج فرزند اصغر در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۹۳/۳۹ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۸۰۴ فرعی از ۱۴۱ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای منصور خلیج و با مالکیت مالک اولیه آقای محمد کمال زاده (که توسط احدی از ورثه وی بنام خانم فرشته کمال زاده منتقل گردیده) تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۳۰۳۸۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم هافاطمه، فریبا و فهیمه همگی رحیمی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده اند به علت سهل انگاری اصل اسناد مالکیت مفقود شده است و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده که برابر محتویات پرونده ثبتی اسناد مالکیت یک دستگاه آپارتمان مسکونی به مساحت ۱۲۲.۶۸ متر مربع قطعه ۱ تفکیکی به شماره ۳۴۶۹۵ فرعی از ۱۱۵ از اصلی مفروز از پلاک ۴۸۶۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج برابر حصر وراثت شماره ۱۲۲۷ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۸ و حصر وراثت شماره ۱۴۰۰۱۳۹۰۰۰۲۶۱۸۹۲۵ مورخه ۱۴۰۰/۱۱/۲۳ اسناد مالکیت هر یک از متقاضیان به میزان ۴.۵ سهم از ۸۴ سهم ثبت و اسناد مالکیت به نام فاطمه، فریبا و فهیمه همگی رحیمی به شماره چاپی به ترتیب ۱۵۷۵۳۹ و ۱۵۷۵۳۶ صادر شد لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آیین نامه ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۹۲۸۰۰۱ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۰۵۹۳۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم عصمت جعفری فردوسییه بشناسنامه شماره ۱۱۰ صادره از کجور فرزند یدالله در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۹۵ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۱۳۳ فرعی از ۱۴۶ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای احمد لرنژاد و با مالکیت مالک اولیه آقای احمد اسلامی فخر تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۳۱۱۹۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج



پرسپولیس از نخستین خرید خود رونمایی کرد

باشگاه پرسپولیس تنها چند ساعت بعد از پایان لیگ بیست و چهارم از نخستین خرید خود رونمایی کرد. در شرایطی که تنها چند ساعت از پایان بیست و چهارمین دوره رقابت‌های لیگ برتر گذشت باشگاه پرسپولیس به صورت رسمی از اولین خرید خود رونمایی کرد. تیوی بیفوما مهاجم آفریقایی استقلال خوزستان بعد از توافق با باشگاه پرسپولیس راهی تهران شد تا بار دیگر شاگرد اسماعیل کارتال شود.

باشگاه پرسپولیس با انتشار عکسی از خرید جدید خود نوشت: تیوی بیفوما عضو جدید ارتش سرخ. راه از اینجا شروع میشه.

ورزش

دنیای هوادار

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۴

خارج از گود



لیگ بیست و چهارم زیر ذرعیین «دنیای هوادار»

تبریز در جشن

حسن صانعی پور

بیست و چهارمین دوره لیگ برتر فوتبال ایران با قهرمانی تراکتور تبریز به پایان رسید. فصلی تقریباً متفاوت که با وجود سیستم کمک داور ویدیویی با حال و هوای تازه‌ای شروع و به پایان رسید. لیگی که هنوز هم به علت فقدان زیرساخت‌های استاندارد دارای اشکالات عمده است. لیگی که در آن پیش‌بینی‌های لازم در پایین‌ترین حد خود بوده و با تعطیلی‌های غیرحرفه‌ای نیز مواجه شده است. لیگی که وضعیت داوری آن با وجود «وار» همچنان نگران کننده است. با این حال تبریز بعد از چند دوره متوالی، حکمرانی تهران را در فوتبال کشور پایان داد و حالا آذربایجان پایتخت فوتبال کشور محسوب می‌شود. در ادامه نگاهی اجمالی به لیگ پایان یافته فوتبال ایران با محوریت هفته پایانی خواهیم انداخت؛

تراکتور و جشن قهرمانی

جشن باشکوه پُرشورها، عصر گذشته با حضور هواداران خون‌گرم تراکتور برگزار شد. شاگردان اسکوچیچ در آخرین بازی فصل با نتیجه سه بر یک استقلال خوزستان را شکست داده و جام قهرمانی فوتبال ایران را بالای سر بردند. تراکتور که به همت مالک خود، تابستان ۱۴۰۳ را به بهترین وجه ممکن پشت سر گذاشته بود در طول فصل نیز با کمترین نوسان ممکن و با بیشترین صدرنشینی به آرزوی بزرگ خود رسید. حالا این تیم شایسته در فصل آینده کار دشواری را در فوتبال ایران و آسیا خواهد داشت. مصاف با مدعیان داخلی که یقیناً با تدارک بهتری فصل آینده را شروع خواهند کرد و رویارویی با غول‌های آسیا که بی رحمانه بر حریفان خود می‌تازند، محک جدی زنوزی، اسکوچیچ و بازیکنان این تیم خواهد بود. آوردگاهی که برای موفقیت در آن باید برنامه داشت و البته جسور بود.

سقوط آزاد ارتش سرخ

وضعیت قرمزپوشان پایتخت در فصل بیست و چهارم به گونه‌ای رقم خورد که کمتر هواداری به قهرمانی مجدد و ادامه موفقیت‌های ادواری آنان امیدوار بود. آنان در ابتدای فصل سه مهره تاثیرگذار خود را از دست داده و اختلافات پنهان و آشکار، موجودیت پرسپولیس را زیر سوال برده بود. مصاحبه‌ها و طرز گفتار چند بازیکن این تیم در انتهای بازی با هوادار عمق این فاجعه را نمایان کرد. با این حال شخصیت قهرمانی چند سال اخیر قرمزپوشان آنان را در شرایط ناپایدار نیز حفظ کرده و اگر کمی خوش شانس بودند به پلی آف لیگ نخبگان آسیا صعود می‌کردند. البته هواداران این تیم نقش مدیریت را در ناکامی ایجاد شده بیشتر از بازیکنان و مربیان دانسته و شعار حیا کن، رها کن آنان مطالبه وضعیت بهتری از مدیریت را در خود نهفته دارد. سقوط آزاد پرسپولیس از تخت پادشاهی فوتبال ایران هرچند به خاطر وضعیت نامناسب رقیب سنتی و بُرد دربی، برای هواداران آنان کمتر ناراحت کننده است اما زنگ خطر را برای

آنان در فصول بعد به صدا در آورده است.

سپاهان آسیایی

نمایش طلایی‌پوشان در هفته‌های انتهایی لیگ دلچسب نبود. شاگردان کاترون با وجود شکست استقلال در هفته پایانی، فاتحانه بازی نکردند. با این حال این تیم به لطف بُرد پرسپولیس در دو بازی رفت و برگشت و هم امتیاز با این تیم به پلی آف لیگ نخبگان راه یافت. سپاهان اگر مایل است در فصل آینده با قدرت بیشتری لیگ را آغاز نماید باید در رفتار و ذهنیت خود تجدیدنظر کند. در حقیقت این تیم دچار بحران ذهنیت شده و در نمودار وضعیت آنان فراز و نشیب‌های بسیار دیده می‌شود. بی‌گمان اگر سرخابی‌های پایتخت شرایط بحرانی نداشتند، سپاهان سال فاجعه باری را پشت سر می‌گذاشت.

استقلال از دست رفته

آبی‌پوشان هرچند نتیجه بازی هفته سی‌ام را به سپاهان واگذار کردند، اما نحوه بازی آنان و چهره بازیکنان این تیم نشان از اراده آنان برای شکست سپاهان داشت. اما استقلال این فصل تیمی از دست رفته است. از طرفی هواداران این تیم که فصل وحشتناکی را پشت سر گذاشته بودند، بی میل نبودند تیمشان مقابل سپاهان نتیجه را واگذار نمایند تا حداقل رقیب خود را نیز در لیگ نخبگان نبینند. موضوعی که باید در مورد آن تحقیق و تخصص نمود و دلایل آن را موشکافانه مورد بررسی قرار داد. تیم‌هایی که مسلماً در صورت مناسب بودن حال و احوالشان، می‌توانند به یکدیگر یاری برسانند. با این حال شاگردان جباری امیدوارند با کسب جام حذفی که کاری سخت و دشوار است، رضایت هواداران خود را جلب کنند.

وضعیت جدول

پنج تیم صدر جدول با اختلافی معنادار از سایر رقبیان، فصل را به پایان رساندند. تراکتور با هشت امتیاز اختلاف نسبت به تیم‌های دوم و سوم قهرمان شد. سپاهان و پرسپولیس با امتیاز مشابه دوم و سوم شدند. فولاد خوزستان با یحیی گل محمدی و با فاصله هفت امتیاز با تیم دوم و پانزده امتیاز با صدر جدول عنوان چهارم فصل را از آن خود کرد. گل‌گهر سیرجان نیز با شش امتیاز اختلاف با فولاد

دیالوگ

«اورسجی»

در بازی‌های آسیایی فقط کبدی شانس طلا دارد

رئیس فدراسیون کبدی گفت: ما جزو تیم‌های اصلی اعزامی به ناگویا ژاپن هستیم و تنها تیم کبدی در بخش تیمی شانس مدال طلا در این بازی‌ها را دارد.

عباس اورسجی روز گذشته درباره افتتاحیه مقر کنفدراسیون آسیا در ایران، اظهار داشت: مقر کنفدراسیون آسیا را در طبقه همکف محل فدراسیون کبدی تشکیل می‌دهیم و کارهای بازسازی آن در حال انجام است. تا پایان خرداد ماه این مقر افتتاح خواهد شد و دو ایرانی هم در هیات رئیسه آسیا حضور دارند.

وی درباره برگزاری سومین دوره مسابقات جوانان جهان، خاطرنشان کرد: قرار بود این مسابقات به میزبانی اصفهان در خرداد ماه برگزار شود اما به تعویق افتاد و بزودی تاریخ برگزاری این مسابقات را مشخص می‌کنیم.

رئیس فدراسیون کبدی درباره اردوهای تیم ملی کبدی زنان، یادآور شد: دختران ما در مازندران اردوهای بسیار خوبی را با آمادگی روحی و روانی بلا سپری کردند. شرایط تیم ملی هم مناسب است. بچه‌ها خیلی با هم همدل هستند و انسجام تیمی شکل گرفته است و دختران انگیزه خیلی بالایی دارند. امیدوارم تیم ملی کبدی زنان با حضور در مسابقات قهرمانی جهان که از یازدهم خرداد ماه در هند برگزار می‌شود، بتوانند نتیجه خوبی کسب کنند. دختران ما جوان هستند و مسابقات جهانی هند دومین تجربه بین‌المللی آن‌ها محسوب می‌شود.

وی ادامه داد: پس از مسابقات قهرمانی آسیا که در اسفند ماه سال گذشته در ایران برگزار و دختران ما نایب قهرمان شدند، ما توانستیم شناسنامه و ارزیابی خوبی از ۸۰ درصد دختران به دست آوریم تا برنامه ریزی قدرتمندتری برای حضور آن‌ها در بازی‌های آسیایی داشته باشیم. تمام تلاش ما این است تا تیم ملی کبدی زنان به فینال مسابقات جهانی صعود کند. از طرف دیگر کشورهای دیگر در بخش زنان شرایط متفاوتی دارند.

اورسجی اضافه کرد: تیم‌های کره جنوبی، ژاپن، تایلند، چین تایپه و مالزی مربیان هندی دارند و تمرینات مشترکی با تیم‌های دیگر می‌گذارند. این تیم‌ها به لحاظ فنی خیلی رشد کردند. نمی‌توان گفت که تمامی این کشورهایی که نام بردم در کبدی زنان قدرتی شده‌اند اما در این دوره چون تعدادی از کشورهای اروپایی در مسابقات جهانی شرکت کردند، بازیکنان و تبعه هندی در تیم‌های خود استفاده کرده‌اند. هرچند تیم ملی کبدی زنان کشورمان هم خوب است و با برنامه ریزی درست می‌توانیم در فینال روبه‌روی هند بازی کنیم.

وی درباره اعزام تیم ملی کبدی زنان و مردان به بازی‌های آسیایی، اظهار داشت: ما جزو تیم‌های اصلی اعزامی به ناگویا هستیم و تنها کبدی در بخش تیمی شانس مدال طلا در این بازی‌ها را در ژاپن دارد.

رئیس فدراسیون کبدی گفت: از اوایل تیر ماه لیست بازیکنانی که وارد مزایده لیگ ستارگان هند خواهند شد، اعلام و مبالغ مشخص می‌شود. در تابستان هم لیگ ستارگان برگزار خواهد شد. تلاش می‌کنیم تا امسال تعداد بیشتری نسبت به پارسال در مزایده خریداری شوند. پارسال از بین ۲۲ نفر، ۱۸ کبدی‌کار در مزایده خریداری شدند. امسال همان تعداد را معرفی و رایزنی می‌کنیم تا همان ۲۲ نفر انتخاب شوند.



خوزستان، رتبه پنجم را به خود اختصاص داد. در این بین فاصله تیم پنجم با ذوب آهن رده ششم پنج امتیاز بوده و فاصله تیم هفتم تا تیم چهاردهم جدول رده بندی یازده امتیاز است. «اختلاف امتیاز تقریباً اندکی که نشان از نزدیک بودن شرایط تیم‌ها در میانه جدول دارد».

فصلی کم گل

فصل بیست و چهارم لیگ برتر فوتبال ایران در مقایسه با فصول قبل از کم گل ترین فصول فوتبال ایران محسوب می‌شود. در این بین امیرحسین حسین زاده با به ثمر رساندن دو گل در هفته سی‌ام و با چهارده گل عنوان آقای گلی لیگ بیست و چهارم را به خود اختصاص داد. از دلایل فقر گل در فوتبال ایران باید فقدان بازیکنان بازی‌ساز در خط هافبک تیم‌ها و خالی شدن فوتبال ایران از بازیکنان خلاق عنوان کرد. متأسفانه بازیکنان خارجی حاضر در فوتبال کشور نیز در شرایط ایده‌آلی نبوده و صرفاً در مقایسه با بازیکنان داخلی قابل بررسی هستند. از طرفی باید اشاره کرد؛ علی علیپور که در فوتبال خارج از کشور کارنامه مناسبی از خود بجا گذاشته بود در بازگشت به پرسپولیس با وجود کسب عنوان آقای گلی پرسپولیس و رقابت نزدیک با حسین زاده، نتوانست شرایط خود را حفظ کرده و به پرسپولیس کمک نماید.

چالش‌ها و حواشی

در همین دو هفته انتهایی لیگ، چالش‌هایی چون داستان رای انضباطی علیرضا بیرانوند و موضوع خداحافظی او از تراکتور که با شایعه حضور وی در استقلال همراه شده بود. اختلافات ریز و درشت بازیکنان پرسپولیس که با مصاحبه‌های آتشین انتهای لیگ همراه بود. موضوع بازی جوانمردانه استقلال مقابل سپاهان که مورد اقبال هواداران این تیم نبود و دست آخر به مذاق هواداران پرسپولیس نیز خوش نیامد و شایعات نقل و انتقالاتی که از اوایل سال جدید آغاز و به هفته آخر لیگ نیز کشانده شده است و به احتمال فراوان در بازه زمانی باقی مانده تا لیگ آینده با کش و قوس‌های زیادی همراه خواهد بود، جملگی از حواشی زشت و زیبایی است که احتمالاً با بیانیه‌ها و گفتگوهای تلویزیونی و تحلیل و بررسی‌های گوناگون، فوتبال ایران را تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد.



■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری ■ سردبیر: مهدی تیموری

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری ■ صفحه آرا: امیر بیات

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانع پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ ■ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ ■ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۱۴

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات
WWW.FATA.GOV.IR



نوجوانان در بازی های آنلاین هدف کلاهبرداران سایبری

کارت های بانکی خود را در اختیار کودکان و نوجوانان قرار ندهید،
چراکه ممکن است هدف کلاهبرداران قرار گیرند و **مبالغ زیادی را**
صرف خرید اکانت ها و امتیازهای بازی های آنلاین نمایند.